

تبصره - لااقل چهار نفر از مستخدمین مذکوره فوق باید علماً و عملاً متخصص بوده و در کتبرات آنها قید شود که مکلف هستند موافق تعلیمات دولت ایران در علوم مالیه تدریس و موجبات تهیه مستخدمین متخصص ایرانی را فراهم نمایند.

شریعت زاده - داور - ره نما - جهان شاهی - رضا دامغانی - حسین - رئیس - آقای شریعت زاده - (اجازه)

شریعت زاده - آقایان خوب میدانند که در قراردادها قدر اقدامات اساسی باشد مصلحت بهتر تأمین می شود و تردیدی نیست که آمدن مستشار و متخصص خارجی و اشتغال آنها بکار

در صورتی که منشاء خدمات دیگر یعنی منشاء تهیه متخصص ایرانی نباشد به محض اینکه آنها رفتند حفظ وضعیاتی که آمدن آنها را ایجاد کرده است مشکل است

بنا بر این بنده و بعضی از رفقا اینطور بنظر آوردیم که در ضمن يك تبصره خاطر نشان شود که این مستخدمین باید علماً و عملاً متخصص باشند که در ضمن تعلیمات دولت در علوم مالیه تدریس کنند تا در نتیجه این عمل آن اصول اساسی که باید در نظر باشد تأمین شود

یعنی بتدریج تهیه متخصص از خود ایرانی ها نمایند و تصدیق خواهند فرمود که در نتیجه آوردن مستشار و اشتغال آنها بکار نمی شود معتقد شد که باید همیشه يك عده کافی مستخدمین متخصص بیاوریم و به عقیده بنده اگر این اصل رعایت نشود هر قدر هم که در ایران مستشارها کار کنند بالاخره در نتیجه عدم تعلیمات نظم و استحکام اساسی ادارات را نمی شود حفظ کرد

مگر اینکه عده متخصصین ایرانی در رأس ادارات واقع شوند و وسیله رسیدن باین مقصود هم تدریس علوم مالیه بتوسط متخصصین است و ممکن است این چهار نفر متخصص را که استخدام می کنیم اگر دارای تحصیلات علمی هم باشند يك موقع از اوقات خودشان را در مدرسه که باید در آنجا مشغول تدریس باشند و البته این ترتیب موافق مصلحت مملکت هم است

مخبر - با تصدیق تمام اظهارات آقای شریعت زاده که مهل تصدیق همه هم است لازم است برای استحضار خاطرشان عرض بکنم که اگر مقصود تخصص فنی باشد که در ماده اول قید شده است

ولی اگر مقصود حضرتمالی از متخصصین نمره اول آمریکائی ها است که آنها با سالی هشت هزار دولا در مملکت نیست بایران بیایند زیرا آنها با سالی شصت هزار و هفتاد هزار دولا حقوق در همان مملکت خودشان خدمت میکنند و باین مبلغ ها نمی شود آنها را استخدام کرد

حالا اگر در آتیه بود چه مملکت يك کشایشی

پیدا کرد و عایدات در مملکت زیاد شد که توانستیم از آن قبیل متخصصین بیاوریم البته مایه سعادت است

ولی امروز با این ضعف بودجه گمان نمی کنم بتوانیم این نوع متخصصین را استخدام نماییم

رئیس - رأی گرفته می شود بقبول توجه بودن این پیشنهاد

آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند

عده قلیلی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشد

چون يك فقره پیشنهادی که اینجاشده بود قابل توجه شده است و پیش نهاد می رود بکمسیون نمی توانیم به ماده رأی بگیریم می ماند برای و روز شنبه بقیه مذاکرات در این لایحه هم می ماند برای روز شنبه نوزدهم اردی بهشت چهار قبل از ظهر

آقای داور -

اجازه

داور - بعد از تعیین دستور عرضی دارم

رئیس - دستور همین شده است

داور - فقط بطور تذکر می خواستم عرض کنم در چندی قبل طرحی پیشنهاد شده بود که من جمله بنده هم آن را اضاء کرده بودم راجع بکسر پنجاه هزار تومان از شهریه ها که از آن محل يك مسائل خوب مفیدی را به موقع اجرا گذاریم و کمسیون بودجه هم يك عده را برای رسیدگی باین کار معین کرد که می خواستم تذکر بدهم بکمسیون بودجه که راجع باین طرح چه تصمیمی اتخاذ نموده اند؟

مخبر - این طرح قبل از عید نوروز بکمسیون آمد و به ملاحظه اینکه ممکن نبود تمام ارقام مستوری ها و شهریه ها در خود کمسیون مطرح شود

لذا يك کمسیون سه نفری مرکب از آقایان سلیمان میرزا و حاج مشیر اعظم و آقا میرزا شهاب الدین معین شدند که باین ارقام رسیدگی کنند و مطابق اطلاعی که داریم چند جلسه هم تشکیل داده اند و با نماینده وزارت مالیه هم مشغول هستند که آن صورت راتهییه نمایند و خود کمسیون بودجه هم در این موضوع خیلی عجله دارد

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بنده سؤالی از وزارت مالیه داشتم و مدت هشت ماه است که این سؤال را کرده ام این بود که خواستم به بینم حاضر هستند برای جواب یاخیر؟

وزیر مالیه - راجع بچه چیز است؟

حاج میرزا عبدالوهاب - راجع بمالیات دلالی که در همدان گرفته می شود

وزیر مالیه - بفرمائید جواب عرض

می کنم

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض می کنم در هشت نهمه قبل يك اداره در همدان تأسیس شده از هر مال مکاری دوهزار به عنوان دلالی اخذ می کنند

بنده خواستم به بینم این مالیات از مالیاتهای استکه در مجلس سابقه داشته و جزو مالیاتهای که در دوره اول تصویب کرده اند بوده یا نبوده؟

اگر نبوده که مطابق قانون اساسی حق تأسیس مالیات را غیر از مجلس کسی ندارد و اگر بوده بنده حاضر م ثابت کنم که چنین چیزی نبوده و حالا اگر اسنادی دارند که سابقه این مالیات را تثبیت می کند بنده عرضی ندارم و بعلاوه مالیاتی که متجاوز از سی هزار تومان است چند نفری آمده اند و از دولت مقاطعه کرده اند بسالی هشت نه هزار تومان این بود که خواستم به بینم آیا وزارت مالیه تحقیقاتی در این مسئله کرده اند و حاضرند جواب بدهند یا خیر؟

و همین همین مسئله را هم در یادداشت تذکر داده بودم

وزیر مالیه - این مسئله چه با خود آقا و چه در مجلس شورای ملی مکرر مذاکره شده که مالیاتهای که امروزه در این مملکت می گیریم تماش مالیاتهای نیست که به تصویب مجلس رسیده باشد و اغلب مالیاتهای استکه از قدیم بوده و ما هم يك مالیاتهای قانونی که بتواند عایدات آنها قائم مقام عوائد امروزی شود نداریم که بتوانیم اینها را ملغی کنیم و اگر ملغی کنیم عایدات دولت از بین می رود و از عهده مخارج بر نمی آید و در نتیجه کسر بودجه مازید تر می شود و ضمناً هم در ضمن بودجه هائی که در سنوات متعدده در مجلس شورای ملی آمده است

این مالیاتها بطور کلی تصویب شده است و مالیات دلالی هم يك چیز تازه نیست

این مالیات سالهای متمادی گرفته می شده است و بعد از این هم تا وقتی که مجلس شورای ملی لغو نکرده است این مالیات ها گرفته می شود مگر اینکه بواسطه لوابیح جدید که پیشنهاد شده است و مطرح هم شده این مالیاتهای بی قاعده را که خود بنده هم تصدیق می کنم که احجاف و تعدی به مردم می شود لغو نمایند و اما در خصوص کیفیت اخذ آن

گمان میکنم وزارت مالیه بکلی امتحان داده باشد که هر امری که موجب ازدیاد عایدات دولت باشد در کمال خوبی می پذیرد و در آن هیچ مسماعه و بی قیدی هم نمی شود و اگر واقعاً پیشنهاد های صحیحی باشد که وزارت مالیه بتواند بهتر عایدات را جمع کند و عایدات دولت هم زیادتر بشود

یقیناً با کمال دقت در تحت مطالب آورده و اجرا هم خواهد کرد

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده تکذیب نمی کنم فرمایشات آقای وزیر مالیه را ولی صورت مالیات هائی که در دوره اول آورده اند و مجلس تصویب کرده است در دفتر مجلس موجود است به آن ها مراجعه شود اگر در همدان مالیاتی به اسم دلالی مکاری بود بنده هم تصدیق دارم و البته صحیح هم هست

ولی عرض میکنم این مالیات را سه سال قبل يك نفر آمد آن جا و اجاره کرد و مردم هم داده و فریادشان بلند شد و متروک شد باز هشت ماه قبل آمده اند و شروع به اخذ این مالیات کرده اند گفتگو سر خلاف قانون بودندش است که باید مالیات را مطابق قانون اساسی مجلس تصویب کند کلام در سر الغائب نیست

اصلاً نباید گرفته شود تا چه رسد به اینکه الغائب بشود یا نشود

وزیر مالیه - بنده عرض کردم مالیاتهای که سابق بوده مادام که مجلس آنها را لغو نکند مامی گیریم و حالا اگر خواسته اند در همدان يك مالیاتی را بگیرند و بواسطه مواضعی يك مدتی نتوانسته اند و بعد دوباره اقدام از برای گرفتن آن کرده اند این دلیل نمی شود که نباید گرفت

عرض کردم چیر تازه نیست و از قدیم مرسوم بوده است

رئیس - بودجه مجلس شورای ملی هم برای سال جاری رسیده است ارسال می شود به کمسیون محاسبات مجلس

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

(مجلس نیم ساعت بهمداز ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی - م - شهاب منشی و دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه ۱۶۳**

**صورت مشروح مجلس**  
**یوم شنبه نوزدهم**  
**اردیبهشت ۱۳۰۴ مطابق**  
**پانزدهم شوال ۱۳۴۳**  
 (مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای آقامیرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید)  
 صورت مجلس یوم پنجشنبه هفدهم اردی بهشت را آقای آقامیرزا شهاب الدین قرائت نمودند

**رئیس - آقای شوشتری**  
 (اجازه)  
**آقای محمدعلی شوشتری**  
 قبل از دستور عرض دارم  
**رئیس - آقای حاج میرزا محمد رضا**  
 (اجازه)

**حاج میرزا محمد رضا - عرضی**

ندارم .  
**رئیس - آقای میرزائی** ( اجازه )  
**میرزائی -** در دستور عرض دارم .  
**رئیس - آقای دامغانی** ( اجازه )  
**دامغانی -** قبل از دستور عرض دارم  
**رئیس - آقای محمد هاشم میرزا** ( اجازه )  
**محمد هاشم میرزا -** بنده عرضی  
**رئیس - آقای اخگر** ( اجازه )  
**اخگر -** در صورت مجلس عرض ندارم .  
**رئیس -** بفرمائید .  
**اخگر -** راجع به پیشنهاد بنده در صورت مجلس نوشته شده است که بنده پیشنهاد کردم بعد از کلمه حقوق نطق سالیانه اضافه شود در صورتیکه پیشنهاد بنده این بود که قبل از کلمه با حقوق لفظ سالیانه علاوه شود .  
**رئیس -** استعفا میکنم اصلاح شود .  
**رئیس -** اصلاح می شود . دیگر ایرادی نیست ؟  
**حاج میرزا عبدالوهاب -** چرا بنده عرض داشتم .  
**حاج میرزا عبدالوهاب -** در این جا همبیتقدر نوشته اند که آقای وزیر مالیه در مجلس اظهار کردند این مالیات سابقه دارد ولی آن دفاعی که بنده کردم نوشته نشده .  
بنده عرض کردم این مالیات سابقه ندارد و مالیات جدیدی است و در صورت مجلس نوشته نشده و بنده این قید را لازم میدانم .  
**رئیس -** اصلاح می شود .  
**آقای ضیاء الواعظین** ( اجازه )  
**ضیاء الواعظین -** در دستور عرض داشتم .  
**رئیس - آقای شوشتری** ( اجازه )  
**آقای سید محمد علی شوشتری -** عرایض بنده تقریباً نحوه استرحام است و نمیخواهم خودم را تعرفه بدهم با آقایان . به جهت اینکه غالب آقایان نمایندگان محترم بنده را می شناسند .  
انتخاب بنده از استرآباد يك امر غیر مترقب و يك قضیه مشکلی بود و بنده ناچارم برای اطلاع آقایان نمایندگان محترم عرایضی عرض کنم :  
مادر بنده صبیّه مرحوم حاج سید حسن معروف استرآبادی است که کتابهای معرف ایشان در این کتابخانه مجلس ( که مرحوم حاج میرزا حسینخان سپهسالار در اینجا کتابخانه داشت ) بوده و یکقسمتش را در

موقع بیمار درمان بردند و اغلب آقایان حاج میرزا سید حسن معروف استرآبادی را می شناسند که جزو علماء طراز اول و پسر حاج سید نصرالله مجاهد معروف استرآبادی بوده که با سید محمد مجاهد و مرحوم نراقی قضایایشان معلوم بوده اند بنده پس از آنکه بغیالم رسیدم چون نظرم گرفت که بعضی زندگانیهای را که در خارج داشتم خاتمه بدهم و بیایم از افکار اباکار نمایندگان استعفا بپریم و همینطور اگر يك چیز هائی بنظرم می رسد برای اصلاح ملک و ملت باندازه فهم خودم عرضه بدارم این بود که باین خیال حرکت کردم و رفتم و ششماه و یازده روز در مجلس خودم بودم در مجلسی که متجاوز از شصت هفتصد نفر بستگان و خویشان من که سادات رضوی و مقیدی و حسینی هستند و اغلب آقایان نمایندگان میدانند و اگر از آقایان استرآبادی که در طهران هستند تحقیق بفرمائید .  
پس از آن رفتم در تمام دهات و قصباب و بلوکات صحبت کردم و بالتبقیه موفق شدم که بسمت نمایندگی بیایم و بدوستی و مؤدت آقایان افتخار کنم برای يك پیش آمد هائی که نمیخواهم عرض کنم چه بوده است تقریباً در اواخر حوت سنه ماضیه بنده مبعوث شدم تلگراف هم آمد ولی در نتیجه بعضی چیزها طول کشید و حالا هم که بمجلس شورای ملی قریب شش ماه است آمده ام معظلم و همه آقایان تصدیق میکنند که زندگانی بی تکلیفی بداست .  
بنده کاملاً مطیع و منقاد قانون هستم لهذا امروز از آقایان تقاضا میکنم يك رأی بپسندیده بدهند تقاضا میکنم قبل از همه چیز در دستور امروز در درجه اول اعتبار نامه بنده را قرار بدهند و آقای معترض آقای دول - آبادی فرمایشاتشان را بفرمایند .  
بنده خودم هم اطلاعاتی دارم عرض میکنم و دفاع میکنم آنوقت کاملاً مطیع و منقادم یا آقایان بنده را مفتخرم می کنند بمضویت مجلس شورای ملی یا با امیدواری برای آقایان از این مجلس میروم .  
**رئیس - آقای میرزائی** ( اجازه )  
**آقای سید محمد علی میرزائی -** بنده هم میخواستم پیشنهاد کنم اعتبار نامه آقای شوشتری در درجه اول دستور قرار داده شود .  
**رئیس -** اگر پیشنهادی دارید بنویسید رأی می گیریم .  
**آقای دامغانی** ( اجازه )  
**دامغانی -** لزوم توسعه معارف و عمومی شدن آن در تمام نقاط این مملکت تقریباً بدیهی است و محتاج بتوضیح نیست .  
نشر معلوم دیانتی و اجتماعی اول درجه سرمایه زندگانی هر ملتی است .

فلا مقصود بنده شرح محاسن و لزوم نشر و عمومی شدن معارف نیست زیرا همه آقایان نمایندگان با این عقیده بنده موافقت و محتاج به بیان و توضیحات مفصلی نیست .  
لیکن همبیتقدر میخواستم عرض کنم موقعیکه مالیات دخانیات در مجلس آمد تصویب آن مالیات و تحمیل آن مالیات سنگین بیشتر با امیدواری این بود که همه جا بقدر کفایت خودش معارفش اداره شده باشد و افلا هر پنج هزار نفوس در ایالات و ولایات دارای دو کلاس ابتدائی باشد که سواد خواندن و نوشتن را پیدا کنند زیرا درجه عمومی شدن و لزومش در همه افراد مملکت این مقدار است و اول قدم ترقی هر ملتی همین بوده است .  
باز هم چون آقایان همه عقیده بنده را تصدیق میکنند محتاج بتوضیح نمیدانم و متأسفانه معارف ما در ولایات خیلی ناقص است بطوریکه در ولایات هر ده هزار نفوس دارای دو کلاس ابتدائی نیستند .  
بعضی از بلوکات هست که ده هزار پنج هزار جمعیت دارد و یک نفر سواد دارد در بین آنها نیست که همبیتقدر بتواند يك کاعذی را بخواند یا بنویسد از این نقطه نظر بنده خواستم تذکر بدهم که وزارت مالیه مخصوصاً آقایان آمریکائی ما در نظر داشته باشند که بر بودجه امساله معارف يك مبلغی بیفزایند بطوریکه افلا بيك شکل ناقصی بودجه معارف ایالات و ولایات اضافه شده باشد و باین وضع فعلی نمایند و در مقابل این مالیاتهای سنگین و لوایجی که می آید افلا آنقدر بمردم اجر داده شود که منافع این مالیاتها که مجلس قبول میکند مردم میدهند بطور مستقیم در بشکل روحی خودشان برگردانند  
**رئیس - آقای ضیاء الواعظین** ( اجازه )  
**ضیاء الواعظین -** فلا عرضی ندارم .  
**رئیس -** پیشنهاد شده است اعتبار - نامه آقای شوشتری در درجه اول جزو دستور امروز شود آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند .  
**( اغلب نمایندگان قیام نمودند )**  
**رئیس -** تصویب شد .  
**آقای دولت آبادی** مخالف بودند .  
**دولت آبادی** بنده از خداوند توفیق می طلبم . . . .  
**جمعی از نمایندگان -** بلندتر بفرمائید .  
**دولت آبادی -** بنده از خداوند توفیق می طلبم از تمام هوی و هوسهای نفسانی خودم که هیچ انسانی غیر از مقام عصمت از هوا و هوس خالی نیست بنده از خداوند توفیق می طلبم در این چند دقیقه که برای خدمت بملت و مملکت و روح آزادی و مشروطیت و حکومت ملی آمده ام اینجا

چند کلمه عرض کنم خودم را از هوا و هوس خالی کنم .  
امیدوارم بشوایم مشمول این توفیق الهی بشوم و عرایض خودم را فقط برای خدا بگویم .  
**آقایان محترم :** تصدیق دارید که در دوره های اخیر مجلس شورای ملی اندکی پایه امور از محورهای طبیعی خودش خارج شده .  
نمیخواهم این کلمه را که عرض کردم تعقیب کنم و دامنه اش را بکشم چون مخالف ندارد که مجبور شوم ثابت کنم .  
در استرآباد دو انجمن نظار ملی تأسیس شد یکی در تاریخ رمضان المبارک ۱۳۴۱ و دیگری بعد از ۹ ماه در جمادی الثانیه ۱۳۴۲ در انجمن نظار اول يك شخص بزرگواری که شاید کسانی که او را هم ندیده اند علاقه باو داشته باشند عضویت داشت و خدا را بشهادت می طلبم که الان روح پرفروغ او را در فضای این مرکز اراده ملی می بینم که پرواز میکند . . . .  
**آقا سید یعقوب -** کو کجاست ؟  
**( خنده نمایندگان )**  
**دولت آبادی -** مرحوم حاج شیخ محمد حسین استرآبادی رحمت الله علیه یکی از اولیاء یکی از اشخاص بزرگ . یکی از علمای محترم . یکی از آزادیخواهان حقیقی بود در آن وقتی که انجمن نظار اول در استرآباد انتخاب شد .  
**شیخ هم** در آن انجمن بود يك قضیه در استرآباد اتفاق افتاد که شیخ از انجمن بیرون رفت .  
نمی دانم چه شده شرحی به بنده نوشتند این را عرض می کنم برای اینکه بدانید سابقه بنده در این قضیه از کجا است شرحی به بنده نوشتند و وقایع و حقایق امور آنجا را نثار سابقه که در مسافرت و مهاجرت با هم داشتیم و در طهران هم مراد شده داشتیم به بنده نوشتند .  
بنده هم بمواقع و جاهای لازم اطلاع دادم .  
انجمن نظار اول بعد از چندی به این مقدمه گذشت منحل شفاهی شد و شفاهما گفتند انجمن منحل است .  
۹ ماه انجمن منحل و لا تکلیف بود .  
بعد از نه ماه در جمادی الثانیه ۱۳۴۲ ( یعنی در صورت مجلس این طور نوشته ) انجمن دیگر دائر شد  
سه نفر از اعضاء انجمن اول نبودند . چهار نفرشان بودند .  
سه نفر دیگر بآنها ضمیمه شد مسئله بمركز رجوع شد و اختلاف نظر حاصل شده مان اختلافاتی که در غالب ولایات بوده است هست بنده چندان اهمیت نمی دهم بواسطه اینکه از یکدسته که یکی انتخاب شده است دیگر دلتنگ می شود این بدیهی

است. اما این مسئله از حدود اختلاف خارج بود. چرا؟ بواسطه اینکه وزارت داخله در اینجا دخالت کرد و حکم داد با حکم استرآباد که انجمن نظار اول صحیح و قانونی بوده است و کسی نمی تواند او را منحل کند.

انجمن اوبی قانونی است و هر عملی که انجمن نظار دوم کرده باشد از درجه اعتبار ساقط است و انجمن نظار دوم قانونی نیست.

آقا هم از انجمن نظار دوم انتخاب شده اند چه دلیل این را عرض می کنم؟ این چهار تلگراف است از وزارت داخله به حکومت استرآباد نوشته شده قریب به يك مضمون در برج ۱۳۰۲ می نویسد:

استرآباد در جواب نامه فلان چون انجمن جدید قانونی نبود حکم بانجمن آن صادر و امر داده شده که بلافاصله اعضا انجمن سابق را دعوت کنند تا انجمن را تشکیل داده مطابق قانون شروع با اقدام نمایند در تعقیب این تلگراف اختلافاتی حاصل شد اینچنانچه مجبور شدند يك کمیسیون بکنند می نویسد.

استرآباد کفیل حکومت کبیله مفتش انتخابات در جواب نامه (۲۵۰۰) تذکر می دهد که اولاً نمرات فلان و فلان (که حالا نمی خواهم بخوانم) تا کید در تشکیل انجمن شده و دلیلی برای انحلال انجمن سابق نبوده است.

ثانیاً بعضی وصول تلگرافات نمره (۵) مفتش نامه (۲۰۳۵) حکومت نامه (۶۷۶۶) تلگراف شد شکایت رسیده که اعضا انجمن سابق دعوت نشده اند و در آن تلگراف نیز تصریح نموده است که انجمن سابق يك سلسله عملیات کرده اند و در نامه (۴۷۱۸) قید کرده است که انحلال آن انجمن قانونی نیست.

مگر اعضا آن از بین رفته باشند و در نامه (۴۷۷۲) (نمره ۷) مفتش و حکومت جواب داده و تکرار کرده است انجمن که سابق تشکیل شده بعنوان نرسیدن وجه تعطیل کردند انجمن نمی توان يك چنین انجمن را منحل شده فرض کرد و بنامه (۴۷۹۷) در جواب نامه (۳۵) حکومت ذکر نموده است که انحلال آن انجمن مخالف قانون است و در نامه (۴۸۴۵) مخصوصاً حکومت و مفتش را برعلایت اجرای قانون متوجه ساخته است و بنامه (۴۹۰۷) در جواب نامه (۹) به حکومت و مفتش تلگراف کرده است چهار نفر از اعضا سابق را که دعوت نموده اند سه نفر دیگر را هم اگر حاضر باشند دعوت نمایند که انتخابات را تمام نمایند و بنامه (۷۲۸) رمز به حکومت و مفتش تلگراف نموده است.

بر فرض اینکه هویت شاکي را نظمی

تصدیق نکند چون اظهارات از سابقه حکایت می کند وزارت داخله ناگزیر است که بشکایات ترتیبی اثر داده اخطار نماید که انجمن سابق را نمی توان منحل شده دانست و نیز بنامه (۴۹۸۸) در تانی اعلام داشته است که نمی توان انجمن سابق را منحل شده دانست.

در صورتیکه چهار نفر از اعضای رادعوت کرده اند سه نفر دیگر را هم اگر حاضر باشند دعوت نموده انتخابات را مطابق قانون پایان برسانند و بنامه (۷۳۱) روز آ در جواب نامه (۱۰) مفتش نیز تصریح شده است که انحلال مخالف قانون است و در نامه (۵۲۵) اشاره کرده است که محتویات دوسه مشر است که تعطیل انجمن بعد نرسیدن وجه معارج بوده است در در این صورت با صدور تلگرافات مزبور تقاضای انجمن فعلی و عملیات آن اصولاً مخالف قانون و لغو است چه وزارت داخله عملیات حکومت را تصدیق نکرده است.

ثانیاً با تصریحات فوق که هیچگونه حقی نمی توان برای انجمن جدید قائل شد.

مهمند وزارت داخله از نقطه نظر بی طرفی که جز اجرای قانون هیچ منظوری ندارد.

با اینکه انجمن سابق را اولی و احق می دانند معذرتاً برای آنکه قانونی بودن انجمن سابق و با آن انجمن معرر گردد کمیسیونی مرکب از عده نمایندگان تشکیل داده همین دوره تکلیف را تعیین خواهند کرد.

بنابراین باید عملیات را بهر کجا رسیده تعطیل کند تا رأی کمیسیون را اعلام نمایند.

در خانه اشعار میدارد اوامری که صادر میشود اجرای آن بر مأمورین فرض و دولت هلاقتند است که در انجام تعلیمات او تأخیر نشود.

اگر در حین اجرای تعلیمات قانونی دولت چند نفری اطلاع بخیا خود در صدد بیجانی باشند و شما نتوانید آنها را بفظ نظم دعوت نمائید ناچار باید تصدیق کرد که در ابراز کفایت قادر نبوده اید البته اگر برای چنین امر مهمی که نهایت علاقه را بحسن جریان آن دارم در خودتان کمایتی نمی بینید خیلی سهل است که تکلیف وزارت داخله را در تعقیب اقدامات و وظایف مهم قانونی خود روشن نمائید.

تلگراف دیگر (نمره ۶۱۲۱) :

استرآباد کفیل حکومت کبیله مفتش انتخابات چنانکه در نامه (۶۰۳۹) تذکر داده شد کمیسیونی مرکب از عده نمایندگان در وزارت داخله تشکیل داده که پس از مذاکرات لازمه راجع

بانجمن نظارت انتخابات استرآباد با اتفاق آراء و چنین اظهار عقیده نموده اند :

انجمن نظارت انتخابات را پس از تشکیل نمی توان منحل نمود مگر اینکه خود انجمن مانع جریان انتخابات واقع شود.

تغیر اعضاء انجمن نیز مادامی که فاقد صلاحیت قانونی یا مستعفی نباشند ممنوع است.

با تصمیم فوق جای تردید باقی نمی ماند که باید اعضاء انجمن سابق را علی الفور دعوت نموده و آنها را مطابق ماده هشت قانون انتخابات مسؤل قرار بدهید تا انتخابات را بدون وقفه موافق مقررات قانونی پایان برسانند.

عین ورقه است که در وزارت داخله نوشته شده و عین امضای آقایانی که حاضر بوده اند آقای آقا شیخ جلال الدین شاهزاده سلیمان میرزا خود بنده یحیی آقای میرزا محمد صادق طباطبائی آقای نوری زاده آقای شریعت زاده این تلگرافات رفته است بعد از آن جدیدی حضور آن سه نفر در استرآباد تاسیس شده و سر تاریخ انتخابات استرآباد از این انجمن دوم گرفته شده است بچه دلیل صورت مجلس. باز عرض می کنم که انجمن نظار اول قریب هفتصد نفره داده بوده است و در این عمل او را به بهانه پول نرسیدن تعطیل کرده بودند بیک قسم از آن تفرقه هاهم مورد اشکال واقع شده بود که سفید مهر بوده امضا و ثبت دفتر نداشته است.

در صورتی که برای سهولت امر نوشته اند آنجا گذاشته اند بعد بهر کس داده اند اسمش را در دفتر ثبت کرده اند آنها را سفید مهر کرده بودند که آنجا حاضر باشند قریب هفتصد نفره داده بودند.

تاریخ آن در ماه رمضان بوده آنوقت صورت مجلس را از امام جمادی الثانیه نوشته اند و بیان قضایا که من اجمالاً عرض کردم ابتدا در این صورت مجلس اشاره هم نشده است.

مینویسد مطابق ماده ۳۸ قانون انتخابات خلاصه صورت مجلس انتخابات استرآباد ذیل درج میشود :

روز سه شنبه غره جمادی الثانیه ۱۳۴۲ انجمن انتخابات استرآباد تاسیس شد پس اینها چه شد؟

پس آن هفتصد نفره چه شد؟ پس انحلال انجمن سابق چه شد؟ همه از میان رفت؟

مخالفت بنده با آقای شوشتری جهت بودیگی از جهت سوء جریان انتخابات و در مرحله دوم راجع به صلاحیت اینها چه شد؟

پس آن هفتصد نفره چه شد؟ پس انحلال انجمن سابق چه شد؟ همه از میان رفت؟

از اینجانب تشبیه شروع شده و در ورقه انتخابات شده است همین وزارت داخله که در این تلگراف مینویسد و تصریح میکند که انجمن نظار ثانی غلط و قانون ردیج اثری بر او مترتب نیست و او باید قانونی نیست.

مدین وزارت داخله بصر میدارد که انجمن بدست این آقایان است و بمجلس میفرستد و می گوید شما استرآباد هستید و می گوید شما استرآباد هستید و می گوید شما استرآباد هستید.

آقا سید یعقوب - آقایان نیست و کفیل است.

در وقت آبادی - خلاصه عرض است.

عجب دیگر این صورت مجلس در جمادی الثانیه ۱۳۴۲ نوشته شده و پیش این که انجمن نظار ثانی منعقد شود حکومت خیلی عجله داشته و افا انتخابات را داد و تلگراف میکند و در جلیله داخله :

(اعلان انتخابات را با اصول قانونی داده اند در جمعه ۱۵ قوس) اینجا نوشته اند کمیسیون شد؟

سه شنبه غره جمادی الثانیه معال بر ج قوس.

بعد از تقریباً چند روز که تاریخ ورقه است آنوقت وزارت داخله چه می نویسد :

حکومت جلیله در صورتیکه باز قوس تعیین انجمن میشود اعلان انتظار که از طرف حکومت داده شده است بوده؟

زیرا اشاعه اعلان انتخابات ماده ۲۱ قانون انتخابات از وظایف انجمن است (آنوقت جواب میدهند (این جز خبیله مضحک است)

وزارت جلیله داخله پانزدهم دعوت عمومی و تعیین انجمن نظار انتخابات شد هیچدم انجمن تشکیل نرفته شروع میشود.

این اجمالی از خرابی و بیقانونی انتخابات استرآباد است که سر تایید بتصدیق وزارت داخله مخالف قانونی شده و تصدیق می کند که انجمن اول را بهیچ وسیله قانونی حق انحلال را نداشته اند و انجمن دوم هم قانونی و هر عملیاتی که کرده است خلاف است.

مخالفت بنده با آقای شوشتری جهت بودیگی از جهت سوء جریان انتخابات و در مرحله دوم راجع به صلاحیت اینها چه شد؟

پس آن هفتصد نفره چه شد؟ پس انحلال انجمن سابق چه شد؟ همه از میان رفت؟

بدیگری امر کنند که بخوانند چون بنده میل ندارم آنها را بخوانم و اگر اجازه بدهند در این تلگرافات قضایای از خراسان قضایای از استرآباد و شهرستان طهران هست که همه اش در تلگرافات نیست در بعضی نوشتجات دیگر هم هست که انجمن را گرفته است.

آن قسمتی که از این دوسه بیرون میاید این است که چهار نفر از اینها که عضو انجمن سابق هم بوده اند اگر خودشان را صالح برای انجمن ثانی نمیدانستند البته عضویت انجمن ثانی را قبول نمی کردند و اگر هم انجمن اول صالح بوده که اینها اکثریت انجمن اول هستند و استغفا هم نکرده اند یعنی در انجمن ثانی عضو شده اند پس معلوم میشود الغاء آن انجمن اولی قانونی بوده.

اما قسمت دوم چون دوسه مفصل بود چندین جلسه شعبه تشکیل شد و آقای نظام التوایه هم عضو بودند.

حالا هم اجازه خواسته اند ممکنست ایشان که از بنده مطلع ترند مفصل تر بفرمایند.

يك قسمت آن راجع به صلاحیت شخصی بود که نفر بودند تا جواب بدهیم بر فرض هم که میخواهند عقیده بنده این است که صلاحیت شخصی را (چنانکه بنده هم خودم دفاع کردم) را گذار کنیم بشخص نماینده زیرا خودش ابصر است و آقای شوشتری هم که خودشان حاضرند برای دفاع لذا بنده در خصوص صلاحیت شخصی چیزی عرض نمیکنم.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است رئیس - عده کافی نیست. آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد تنفس میکنم.

رئیس - تنفس داده میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای دولت آبادی رسیده است. راجع به موضوع آقای شوشتری قرائت اثر میداد در ثانی اینطور نمیکرد و این عمل وزارت داخله نسخ آن مقدمات است بالاخره انجمن بموجب قانون مسؤل صحت انتخابات است و انجمن ثانی شرحی مینویسد و میگوید شهادت میدهم که ایشان و کفیل استرآباد هستند.

هفت نفر از اعضا انجمن که از مرفوقین آنجا هستند نوشته اند انتخابات ایشان صحیح و موافق قانون است و حکومت استرآباد هم مهر کرده است و انتخابات را صحیح دانسته است و فرستاده است شعبه هم که البته خودش آنجا نیست

از روی دوسه مطالعه میکنند می بینید هفت نفر که مسؤل صحت انتخابات هستند نوشته اند این انتخاب صحیح است.

حالا علت اینکه این انجمن جای آن انجمن را گرفته است آن قسمتی که از این دوسه بیرون میاید این است که چهار نفر از اینها که عضو انجمن سابق هم بوده اند اگر خودشان را صالح برای انجمن ثانی نمیدانستند البته عضویت انجمن ثانی را قبول نمی کردند و اگر هم انجمن اول صالح بوده که اینها اکثریت انجمن اول هستند و استغفا هم نکرده اند یعنی در انجمن ثانی عضو شده اند پس معلوم میشود الغاء آن انجمن اولی قانونی بوده.

اما قسمت دوم چون دوسه مفصل بود چندین جلسه شعبه تشکیل شد و آقای نظام التوایه هم عضو بودند.

حالا هم اجازه خواسته اند ممکنست ایشان که از بنده مطلع ترند مفصل تر بفرمایند.

يك قسمت آن راجع به صلاحیت شخصی بود که نفر بودند تا جواب بدهیم بر فرض هم که میخواهند عقیده بنده این است که صلاحیت شخصی را (چنانکه بنده هم خودم دفاع کردم) را گذار کنیم بشخص نماینده زیرا خودش ابصر است و آقای شوشتری هم که خودشان حاضرند برای دفاع لذا بنده در خصوص صلاحیت شخصی چیزی عرض نمیکنم.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است رئیس - عده کافی نیست. آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد تنفس میکنم.

رئیس - تنفس داده میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای دولت آبادی رسیده است. راجع به موضوع آقای شوشتری قرائت اثر میداد در ثانی اینطور نمیکرد و این عمل وزارت داخله نسخ آن مقدمات است بالاخره انجمن بموجب قانون مسؤل صحت انتخابات است و انجمن ثانی شرحی مینویسد و میگوید شهادت میدهم که ایشان و کفیل استرآباد هستند.

هفت نفر از اعضا انجمن که از مرفوقین آنجا هستند نوشته اند انتخابات ایشان صحیح و موافق قانون است و حکومت استرآباد هم مهر کرده است و انتخابات را صحیح دانسته است و فرستاده است شعبه هم که البته خودش آنجا نیست

دیگر راه سازی نمیشود کرد از طرف دیگر نظر بمن زیاد می نماید ذکرش در اینجا مقتضی نیست امید واری نمیرود بودجه هذله السنه هم در موقع خودش بتصویب مجلس شورای ملی برسد که ترتیبی در ساختن راهها حاصل شود لهذا پیشنهادی از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

برای راه سازی و راه آهن جلفای تبریز که با صد و شصت و شش هزار تومان اعتبار موقتی در هذله السنه بوزارت فواید عامه داده شود یعنی همان اعتباریکه در بار سال هم تصویب شد.

آنوقت اگر در بودجه هذالسنه بطوریکه پیشنهاد شده اضافاتی تصویب شد که باین مبلغ اضافه خواهد شد اگر اضافه هم نشد همان بودجه بار سال است و کار معوق نمی ماند فقط استدعائی که بنده دارم این است که نظر بقوریت مطلب اگر تا روز سه شنبه راپرت کمیسیون راجع باین موضوع حاضر میشود آنروز جزو دستور قرار بدهند.

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع با استخدام مستخدمین امریکائی مطرح است ماده اول مراجعه شده بود بکمیسیون (خطاب بخبر) در این ترتیب حاضر نیست؟

مخبر - الان تقدیم میکنم. آن پیشنهادیکه آقای شیروانی کرده بودند در کمیسیون قبول شد.

رئیس - ماده دوم (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم. بوزارت مالیه و بوزارت فواید عامه اجازه داده می شود که مشترکاً بموجب کتبات يك نفر برای ریاست امور فلاحی استخدام نمایند مأمور مذکور فلاحی با تخصص فنی مقتضی و از اتباع دولت مالک متعده آمریکا باشد مدت استخدام مشارالیه از سه الی پنج سال و ابتدای خدمتش سه هفته قبل از ورود بایران و حقوقش سالیانه ده هزار دلار خواهد بود.

رئیس - آقای ناصر الاسلام (اجازه)

ناصر الاسلام - بنده در این موضوع استعجازه نکرده بودم خواستم بتمام ریاست تذکر بدهم قبل از اینکه وارد لایحه امریکائیها بشویم شاهزاده سلیمان میرزا تقاضا کرده بودند تلگراف راجع بشاهزاده سالارالدوله جزو دستور شده و تقاضای بنده هم مربوط بآن تلگراف بود.

رئیس - بلی ایشانیکه همچو تقاضائی کرده اند قرائت میشود (بمضمون آتی خوانده شد)

این بنده تقاضای منماید تلگرافات راجع بحالارالدوله خوانده شود؛ سلیمان محسن.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا البته آقایان مسبوقند مطالبی که در جلسه خصوصی مذاکره میشود وقتی قابل ملاحظه باشد در جلسه علنی مطرح میشود و چون این تلگرافات دیروز در جلسه خصوصی خوانده شد و هر کسی عقیده خود را در آنجا اظهار کرد چون اثری بر آن اظهار عقاید مترتب نیست.

لذا بنده بهتر میدانم که در مجلس علنی تلگرافات خوانده شود و هر کس هر عقیده دارد اظهار کند و چون مراجعت شخص سالارالدوله بایران برخلاف صریح ماده قانونی است که در سوم شعبان ۱۳۲۹ از تصویب مجلس گذشته است و در اینجا باید صحبتی شود باید راجع بآن قانون و سایر ترتیبات دیگر هم صحبت شود و چون ایشان هم در سرحد و سابقاً ایشان همیشه این بوده است که مشغول بعضی تقنینات و اسباب زحمت میشوند و در سرحد نزدیک یک قسمت مملکت هستند و ممکن است که ایشان در آنجا هم یک زحمتی تولید کنند و اگر چه با بودن اردوهای منظم نمیتوانند زحمتی تولید کنند.

ولی اگر زحمتشان باندازه پنجاهتقدیه هم اسباب پریشانی حواس باشد مناسب نیست بنده تصور میکنم هر چه زودتر تکلیف او معین شود بهتر است.

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده می خواهم عرض کنم در مقابل اوضاع مهی که در مجلس داریم اینکار اهیتی ندارد و برخلاف تقاضای نماینده محترم هم نمی خواهم عرض کنم که مجلس نیاید.

ولی ممکن است بعد از انعام شور این لایحه به مجلس بیاید و اگر شاهزاده سالارالدوله پنجروز دیگر هم در آنجا بماند گمان نمی کنم عیبی داشته باشد برای ایشان که اقرار مسوم قریب دو ماه است در آنجا هستند.

رئیس - آقایانیکه این تقاضای شاهزاده سلیمان میرزا را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده برخاستند)  
رئیس - تصویب نشد  
یک نفر از نمایندگان - بنا بود کمیسیون عریض را عرض رود

رئیس - مراجعه شده کمیسیون عریض هم به مجلس مراجعه کرده است ماده دوم مخالفی ندارد؟

آقا سید یعقوب

(اجازه)  
آقا سید یعقوب - چون آقایان وزیر مالیه و وزیر فواید عامه هر دو تشریف دارند بنده این عرض را خدمتشان میکنم تا به بنده نتیجه چه میشود  
اساساً مملکت مایک مملکت زراعتی

است و مملکت صنعتی نیست و حالا که دولت در نظر دارد مملکت ما را در تحت اصول زراعت جدید مرتب و اداره کند همه آقایان هم این را تصدیق دارند که اگر بخواهند یک مملکت زراعتی را از حال سابق خود بشکل جدید در آورند یک نفری نمی تواند از عهده اینکار برآید برای اینکه حالا که ما در مالیه چهارده پانزده نفر مستخدم امریکائی داریم میگوئیم کم است؛ بنابراین برای اینکه یک نفر کم است زیرا یک نفر نمی تواند دستور زراعت جدید را بیاورد.

رئیس - آقای ندین موافقت؟  
قلین - بلی.  
رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - خاطر همه آقایان محترم مسبوق است و همه میدانند که مراد از آوردن مستشاران امریکائی اصولاً از دو نقطه نظر بوده.

یکی از نقطه نظر سیاست سیاسی و دیگری از نقطه نظر سیاست اقتصادی و صلاح مملکت بوده و اقدام شده و باید هم بشود ولی اگر سیاست سیاسی و سیاست اقتصادی مملکت تقاضای این را بنمایند مایک عده مأمورین متخصص مالی از آمریکا داشتیم که مالیه ما را اداره کنند این دلیل بر این نیست که در حرفی که ما بخواهیم مستشار بیآوریم باید قطعاً امریکائی باشد صحبت ملیت یک نفر مستشار در یک قضیه فنی که برای ما اهمیت ندارد.

صحبت در فن و تخصص او تناسب کار او با عایدات این مملکت و بودجه این مملکت است.

همه آقایان میدانند که مملکت آمریکا یک مملکتی است که از سایر ممالک دنیا مردم میروند آنجا برای پیدا کردن ثروت و الان هم تا درجه همینطور است بنابراین از یک همچو مملکتی کسی خارج نمی شود برای اینکه برود در مملکت دیگر مگر اینکه فواید او بر آنچه که او در مملکت خودش دخل می کند بیاورد.

بنابراین متخصص فلاحی که ما مطابق این ماده می خواهیم بیآوریم در مملکت خودش بیش از پنجاه هزار دلار قیمت نخواهد داشت و متخصص که در امریکائی از پنج هزار دلار قیمت نداشته باشد

از یک نفر متخصص متوسط هم کمتر است و صرف نظر از اینکه آب و هوای آن مملکت با آب و هوای مملکت ما و وضع مملکت ما خیلی تفاوت دارد علاوه بر هزار دلار امروز دویست هزار فرانک می شود و با دویست هزار فرانک مایک می توانیم سه نفر متخصص درجه اول از یک مملکت بیآوریم که از هر جهت بمملکت ما شبیه تر باشد و بهتر بتوانند برای ما کار کنند مثل ممالک ایتالیائی فرانسه و غیره.

از طرف دیگر بنده یک چیزی را مکرر خواسته ام تذکر بدهم و آن اینست که در غیر از فن معاملات در علوم دیگر تخصص امریکائی را هیچوقت نباید بالاتر از علوم فرانک دانست

دیگر اینکه الان در طهران مایک عده متخصص فلاحی داریم که بدبختی شان همین است که کلاه ایرانی سرشان است ایرانی هستند و فارسی حرف میزنند و این بیچاره ها کسانی هستند که آنها را بمذاکر امریکائی بسمت معالی میبرند و وقتی که می آیند اینجا چهار پنج سال بیکار میمانند و بعد از هزار گونه زحمت دروزارت مالیه مستخدم می شوند و بیش از ماهی هشتاد تومان و صد تومان بآنها نمی دهند.

آنوقت می آیند پیشنهاد می کنند پیشنهاد میکنند که ده هزار تومان بیک نفر متخصص فلاحی بدهند.

ما متخصص در امور فلاحی می خواهیم و غیر از این هم چیزی لازم نداریم و آن متخصص امریکائی که باین حقوق اینجا بیاید درجه لیاقتش بیش از این هوطنان ما نخواهد بود.

بنابراین استخدام آن کار بی فایده است برای اینکه ما یک عده متخصص در اینجا داریم و لازمست دولت و وزارت مالیه یک توچی بآن بدبخت ها بکند

نه از نقطه نظر اینکه برای آنها کار برتر باشد.  
بنده عرض می کنم اگر کار نیست این را چرا می آورند و اگر کار هست چرا بی چاره ایرانی بدبختی که تخصص زیادتر است بجای او نمی آورند و اگر دولت میل دارد که این متخصص قطعاً غیر ایرانی باشد.

(چون بمجر داینکه کسی ایرانی شد و فارسی حرف زد بدبخت است)  
بنده پیشنهاد میکنم که این مستخدم را از یکی از ممالک فریک استخدام نمایند که هم از نقطه نظر آب و هوا و هم از نقطه نظر تخصص برای این مملکت فوایدش بیشتر خواهد بود.

تا اینکه از امریکا استخدام نمایند. وزیر فواید عامه - اگر فکر آقایان خلاصه کنیم اینست که اولاده هزار دلار کافی نیست برای اینکه یک نفر متخصص عالی مقامی را از امریکا بیآورند و البته اگر ده هزار دلار را هم تبدیل بفرانک کنیم و بگوئیم دویست هزار فرانک یا بگوئیم دوهزار دلار تفاوتی در اصل مسأله حاصل نخواهد شد.

و باز هم هیچ متخصص عالی مقامی برای این پولها نخواهد آمد اینجا.  
پس ازین جهت هیچ فرقی نمی کند علاوه بعضی اوقات هم ممکنست گرا با خانه و اثاثیه و مخارج روشنائی او را هم دولت بدهد.

وهو و شرایط ارضیه و اگر از فرانسه متخصص فنی بیآوریم شاید درست شرایط فلاحی مملکت ما را نداند  
اما امریکائی که مملکت وسیع و دارای اقطار مختلفه است و حقیقتاً هم از حیث وضعیت ارضی خیلی شبیه بمملکت ماست او دیگر محتاج نیست

که یک مدتی وقت خودش را صرف مطالعات ارضی مملکت ما بکند. دیگر اینکه یک مسأله دیگر هست که از نقطه نظر تئوری شاید غلط باشد اما از نقطه نظر عمل کاملاً صحیحست و آن اینست که وقتی دولت میخواهد شعبات امور مختلفه مملکت خودش را اداره بکند بایستی در رأس شعب یک اشخاصی را بگذارد که ارتباطاتشان باهم بیشتر باشد و این را اساساً ما باید بدانیم که داشتن اداره خالصجات با طریقی که ما امروز داریم غلطست.

چه فرق میکند که دولت یک عایداتی از دست و تلگراف داشته باشد و تحویل وزارت مالیه بدهد

یا اینکه عایداتی از معدن داشته باشد و وزارت مالیه بدهد

یا اینکه عایداتی از معدن داشته باشد و وزارت مالیه تحویل بدهد یا عایداتی از املاک دولتی داشته باشد و بایستی در آتیه یک وزارت فلاحی باشد که میدان کار او خالصجات دولتی باشد

زیر دولت باید در نشان دادن اصلاحات فلاحی در املاک خودش پیشقدم باشد زیرا اگر دولت بخواهد فرم مدل یعنی مزارع نمونه در این مملکت تأسیس کند نمی تواند مالکین را ملزم بتأسیس یک همچو مزارع نمونه بکند در صورتیکه خودش خالصه داشته باشد.

بنابراین وقتی که متخصص امریکائی استخدام میشود.  
علتش یکی شباهت طبیعی امریکا بایران است و دیگری ایجاد حسن رابطه مابین شعبات مختلفه این کار است.  
باینجهت باید خالصجات هم در آتیه از وزارت مالیه گرفته شود و تمام آنها در تحت اداره یک نفر متخصص اداره شود و اصلاحات عملی را که میخواهد بکند در خالصجاتش بکند و فقط وزارت مالیه عایدات آن خالصجات را مثل عایدات سایر وزارتخانه ها ضبط کند.

پس از دو نقطه نظر وجود یک نفر متخصص نهایت لزوم را دارد و در همان حال نباید فراموش کنیم که اگر ما قدمها را یک مرتبه برداریم شاید بآن ترتیبی که منظور نظر است موفق بنتیجه نشویم برای اینکه امور فلاحی منقسم بشهبات می شود و فعلاً مایک نفر متخصص خواهیم خواست و اصلاحاتی که لازمست و باید بدست او شد در نظر خواهیم گرفت و پیشنهاد خواهیم کرد.  
یکی از شعبات فلاحی ما که در آتیه باید خیلی ترقی کند زراعت چای است که

در باب زراعت چای خود بنده جدا گانه از از هلاند در خیال استخدام یک نفر متخصص هستم یکی دیگر از شعب فلاحی ما جنگلها است که لایحه اش بمجلس شورای ملی تقدیم شده که از آلمان یک نفر متخصص استخدام شود

پس در باب هر یک از این شعب که جدا گانه هستند باید یک نفر متخصص ولی فعلاً این یک نفر استخدام میشود بعد آنچه متخصص فرعی لازم باشد باید بنظر او باشد زیرا خودمان اصلاً ممکنست در تشخیص اینکه چه نوع متخصص لازم داریم در اشتباه باشیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.  
رئیس - پیش نهادها قرائت میشود. (بشرح آتی خوانده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم سطر سوم اینطور اصلاح شود «مأمور مذکور بایستی بان تخصص فنی مقتضی در امور فلاحی اقل دو سال عمل نموده و از اتباع دولت متحده آمریکا باشد»

یدالله نظامی.  
رئیس - آقای آقا میرزا یدالله خان (اجازه)

آقا میرزا یدالله خان - بنده متقدم که فقط باسم متخصص فنی نباید یک نفر استخدام کرد برای اینکه علم عمل لازم دارد ممکنست این شخص که بایران میآید دارای یک تصدیقاتی باشد ولی در یک مدتی که ما او را استخدام کرده ایم درین مملکت مشغول تجربه یک خسارتها می باشد متوجه میشود بنابراین هیچ ضرری ندارد آن مستشاری که از امریکا بایران میخواستید بیآورید یک کسی باشد که علاوه بر تخصص اقلای یکی دو سال هم عملیات زراعتی کرده باشد.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟  
مخبر - کمیسیون نمی تواند بیورد.  
رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای آقا میرزا یدالله خان آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.  
رئیس - تصویب نشد.

پیشنهاد دیگر آقای آقا میرزا یدالله خان:  
بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم در سطر چهارم از سه الی پنج سال حذف و بجای آن از چهار الی شش سال نوشته شود.  
آقا میرزا یدالله خان - قسمت اول پیشنهادی که عرض کردم تصویب نشد ولی در این جا عرض می کنم کسی که از سه الی پنج سال برای مستشاری امور فلاحی وارد این مملکت می شود خیلی که

احساسات بخرج بدهد  
اقلای باید سه سال مشغول امتحان باشد پس این هم ضرری ندارد که از چهار الی شش سال باشد که اگر دو سال اوقاتش صرف امتحان شد اقلای سه سال دیگر مشغول عمل فلاحی باشد

برای اینکه از سه سال الی پنج سال هم بنده نخواهد شد که یک خط مستقیم امور فلاحی ما بخط غیر مستقیم تبدیل شده و بعد هم کثرت ایشان منقضى میشود و آنوقت تقریباً از امور فلاحی خودمان دست کشیده ایم و آن ترتیبی هم که آن مستشار گفته یاد نکرده ایم

پس درین صورت اگر آقایان مساعدت فرمایند که از چهار الی شش سال باشد گمان میکنم ضرری نداشته باشد  
وزیر فواید عامه - اساساً ضرری ندارد که یک متخصصی بیشتر ازین مدتی که میفرمایند بماند ولی نمی دانم آقا چه تصور فرموده اند.

مگر راه تجدید کثرت مسدود است؟  
البته اگر دولت صلاح دانست کثرت را تجدید میکند چه اهمیتی دارد؟  
آقا میرزا یدالله خان - اظهاراتی که آقای وزیر فواید عامه کردند بنده را متقاعد کرد پیشنهاد خود را استرداد میکنم.  
رئیس - پیشنهاد آقای افشار قرائت می شود.  
بضمون ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم ماده دو بطریق ذیل اصلاح شود:  
وزارت مالیه اجازه داده میشود یک نفر متخصص فنی برای خدمت وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه استخدام نماید.

رئیس - بفرمائید.  
آقا میرزا رضا خان افشار - عرض میکنم یک نفر متخصص فنی امریکائی باده هزار دلار باین مملکت نمی آید اگر ما بخواهیم یک نفر متخصص بیآوریم باده هزار دلار قطعاً نمیتواند احتیاجات ما را آنطور که انتظار داریم رفع کند

بلاوه اشتراکی که وزارت مالیه درین خصوص دارد از نقطه نظر خالصجات است.  
اگر وزارت مالیه در نظر دارد یک نفر برای خدمت خالصجات استخدام کند آن یک موضوعی است علیحدته و باید یک نفر را پیشنهاد کند که خالصجات ما را بترتیب فرم مدخل در بیاورد ولی اصولاً باید مستشار در تحت نظر یک وزارتخانه مخصوص باشد و مسئول وزارت خانه ای دیگری نباشد و مخصوصاً باید در

قسمت رئیس هر اداره فوق العاده اهمیت داده شود که دارای تخصص عملی که برای آن تخصص داشته باشد دیگران تخصص نداشته باشند.  
آن رئیس میتواند آنها را اداره کند و این شخص اگر بعنوان خدمت دروزارت فلاح و تجارت و فواید عامه و مالیه استخدام شود نه بحال مملکت مفید خواهد بود و نه بحال خالصجات دولتی.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای افشار را تصویب میکنند قیام فرمایند. (عده قلبی قیام نمودند)  
رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای سلطان.

بشرح ذیل قرائت شد  
پیشنهاد می کنم در ماده دوم سطر سوم بجای امور فقط مدرسه فلاحت گذارده شود.

سید محمد سلطان  
آقا سید محمد سلطان - چندین سال است مدرسه ای تأسیس شده است باسم مدرسه فلاحت ...  
یکی از نمایندگان - بیست و پنج سال آقا سید محمد سلطان - میفرمائید.  
بیست و پنج سال تأسیس شده است شاگرد هم از آنجا بیرون آمده و تصدیق گرفته است چه شده است که تا بحال موفقیت حاصل نشده است که ما از این شاگردان استفاده کنیم؟ بنده تصور میکنم اگر تازه سال دیگر بیست سال دیگر هم این مدرسه باشد.

با این خرج گران هیچ فایده نخواهد داشت از این جهت بنده پیشنهاد کردم که یک نفر مدیر مدرسه فلاحت که دارای همین مزایا باشد استخدام و کثرت نمایند.

وزیر فواید عامه - اگر مطلب تولید یک سوه تقاضی در اذهان نسبت بمدرسه فلاحت نمی کرد بنده شاید بجواب آقا مباردت نمی کردم و حکمیت را بمجلس شورای ملی واگذار میکردم ولی از بیانات ایشان همچو فهمیده میشود که مدرسه فلاحی که امروز هست و جزء وزارت مالیه است کاملاً بوظایف خودش عمل نکرده یا کوتاهی کرده در صورتیکه این طوری نیست.

اولاً رئیس مدرسه امروز فاتح که یکی از جوانهای تحصیل کرده منور الفکر این مملکت کسی است که حقیقه تمام هم خود را صرف پیچود و اوضاع مدرسه صرف تربیت یک عده شاگردی که بتوانند از عهده وظایف خودشان برآیند کرده است.  
پس هیچ نوع ایرادی متوجه مدرسه فلاحت نیست و باید دانست که ترقی فلاحت فقط با مدرسه نیست یکی از عوامل قوی فلاحت که متضمن ترقی اقتصادی مملکت



معنی ندارد !!

استدعا میکنم توضیحاتی بدهند که بنده هم ملتفت شوم.  
 مخیر - راجع بکلمه مقتضی که توضیح خواستید معلوم است.  
 یعنی آنچه چیزهایی که مربوط به امور فلاحتی اقتضا داشته باشد این متخصصیکه می آید باید اطلاع داشته و بعد از آن پیش نهادی هم که آقای آفاشیخ جلال کردند و مجلس قبول کرد و بعد عقیده کمسیونرا نمی دانم چه خواهد شد این پیش نهاد دیگر مورد ندارد.

**کارروئی - بنده استدعا میکنم**

**رئیس - پیش نهاد آقای زاهدی (این طور خوانده شد)**

بنده پیش نهاد میکنم که در سطر دوم پس از کلمه يك نفر «دکتر در فن زراعت» علاوه شود.

**رئیس - بفرمائید**

**میرزا مهدیخان زاهدی - در**

فرنگستان يك نفر متخصصی را در امر فلاح مهندس می گویند و در امریکا بر عکس فرنگستان متخصص زراعتی دکتر فلاحتی خطاب میکنند.

لهذا بنده این پیش نهاد را کردم حالا بسته است بنظر آقایان

**رئیس - آقایان بیکه این پیش نهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند**

(عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس - تصویب نشد**

ماده دوم مراجعه می شود بکمسیون راپرت کمسیون بودجه راجع بماده اول رسیده است قرائت می شود بعد رای می گیریم.

(بمضمون آتی خوانده شد)

کمسیون بودجه اصلاح پیش نهاد آقای شیروانی را که بعد از معلومات مقتضی تخصص فنی اضافه شود قبول و تصویب می نماید.

**رئیس - رای گرفته می شود بماده اول با تغییراتی که عرض میکنم در سطر سوم بعد از کلمه مقتضی تخصص فنی اضافه میشود.**

در سطر شش عبارت بجای مستر گر حذف می شود.

در سطر دوازده ماشینست حذف می شود و بجای فلان کن هم حذف می شود.

در سطر ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ بعد از کلمه حقوق لفظ سالیانه اضافه می شود.

با این تغییرات رای می گیریم بماده اول.

آقایان موافقین قیام فرمایند

«اغلب قیام نمودند»

**رئیس - تصویب شد**

بقیه مذاکرات را اگر تصویب می فرمائید بماند برای فردا چهار قبل از

ظهر

**جمعی از نمایندگان - صحیح**

است.

**معاون وزارت عدلیه - لایحه ای**

است راجع باصلاح قانون رسیدگی به شکایات احکام مجاضر شرع ، تقدیم مجلس شورای ملی میکنم.

**دست غیب - سوالی از آقای وزیر**

فوائد عامه شده بود حالا برای جواب حاضرند اجازه می فرمائید عرض کنم.

**رئیس - بفرمائید**

**دست غیب - در سابق يك سوالی**

شد راجع بمسئله واگونها فقط آقای وزیر فوائد عامه آمدند و جواب دادند و موکول کردند که در امتیازنامه ای که مدرک و سند خودشان قرار می دهند در ماده اولش ...

**بعضی از نمایندگان - عده کافی**

نیست.

**دست غیب - می فرمایند عده کافی**

نیست.

**رئیس - بلی عده کافی نیست میماند**

برای جلسه دیگر.

**دست غیب - پس اجازه بفرمائید در**

اول جلسه عرض کنم آقای وزیر فوائد عامه هم تشریف می آورند؟

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا**

منشی - م شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه ۱۶۳**

**صورت مشروح مجلس**

**یکشنبه بیستم اردی بهشت**

**۱۳۰۴ مطابق شانزدهم**

**شوال ۱۳۴۳**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر

بر ریاست آقای آقامیرزا حسین

خان پیرنیا تشکیل گردید

( صورت مجلس روز قبل را

آقای آقامیرزا شهاب قرائت

نمودند )

**رئیس - آقای حاج میرزا محمد رضا**

( اجازه )

**حاج میرزا محمد رضا - بنده قبل**

از دستور عرض دارم

**رئیس - آقای میرزائی**

( اجازه )

**میرزائی - بنده خواستم عرض کنم**

پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا راجع به

تلگراف سالارالدوله در صورت مجلس

قرائت نفرمودند.

**رئیس - اشاره شده است . آقای**

آقا شیخ جلال

( اجازه )

**آفاشیخ جلال - بنده قبل از دستور**

عرض دارم

**رئیس - آقای تدین**